

# گذری بر جدال اژدها در هنر ایران\*

مجید بهدانی\*\*

حسین مهرپویا\*\*\*

## چکیده

اژدها جانور افسانه‌ای بزرگی است که معمولاً به شکل سوسمار یا مار غول پیکر تصویر شده است. اژدها، افسانه‌ها و داستان‌های زیادی را در ادبیات و فرهنگ ایران به خود اختصاص داده است و نقش آن در بسیاری از آثار هنری دیده می‌شود. جدال اژدها با قهرمان و موجوداتی همچون شیر و سیمرغ از موضوعاتی است که بیش از همه در هنر ایران دیده می‌شود. در بیشتر این نقش‌ها، جنبه اهریمنی و دیو‌خویی اژدها مشاهده می‌شود. اژدها در جدال با قهرمان مغلوب او می‌شود؛ ولی در مبارزه با شیر و سیمرغ به لحاظ قدرت با آن‌ها برابری می‌کند.

هدف از این مقاله، بررسی جنبه‌های تزئینی و نمادین این جدال است. ضمن اینکه به این سؤال نیز پاسخ داده ایم: آیا تصاویر جدال اژدها با موجودات دیگر، فقط جنبه تزئینی داشته یا هنرمند با توجه به مفاهیم نمادین، آن‌ها را تصویر کرده است؟ در این نوشتار بعد از ذکر توضیحاتی در مورد اژدها، به نمادشناسی آن و حضورش در هنر ایران پرداخته ایم و در پایان، چند نقش از جدال اژدها در هنرهای مختلف را بررسی کرده ایم.

واژه‌های کلیدی: اژدها، نماد، جدال اژدها، هنر ایران.

## مقدمه

"در فرهنگ‌ها (از جمله برهان) از مرد شجاع و دل‌آور، از مرد خشمگین، و از پادشاه ظالم عموماً و از ضحاک ماردوش خصوصاً با عنوان اژدها یاد شده است." (یا حقی، ۱۳۶۹: ۷۶). صاحب عجایب المخلوقات گفته است: "چون مار را درازی به سی گز رسد و عمر به صد سال، آن را اژدها خوانند. اژدها آن قدر بزرگ می‌شود که حیوانات خشکی از او به ستوه آیند، چنان‌که بالایش به ده هزار گز برسد، دو پر مانند ماهی درآورد و حرکتش سبب موج دریا شود." (۱۴۰). مسعودی نیز در شرح اژدها چنین بیان می‌کند: "اژدها ماری است سیاه که در صحراها و کوه‌ها به وجود می‌آید و سیل و آب و باران آن را به طرف دریا می‌راند و از حیوانات دریایی تغذیه می‌کند و پیکرش بزرگ و عمرش دراز می‌شود و چون عمرش به پانصدسال رسید، بر حیوانات دریا غلبه می‌کند." (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۲۰-۱۲۱).

این جانور در اساطیر اغلب فرهنگ‌های گذشته جهان دیده می‌شود و معمولاً در افسانه‌ها ترکیبی است از حیوانات مختلف همچون مار و سوسمار. در بسیاری از اساطیر موجودی ترسناک معرفی شده که مظهر شر و خرابی است. در اساطیر بابلی، مردوک<sup>۱</sup> با اژدهای مخوف تیامت<sup>۲</sup> می‌جنگد و او را می‌کشد. در اساطیر هند نیز ورتره<sup>۳</sup>، اژدهای هراس‌انگیزی است که آب‌های زمین را یک جا نوشیده و در

اژدها در فرهنگ و ادبیات ایران، روایات اسلامی و باورهای قومی تعاریف و مفاهیم متفاوت و گسترده‌ای دارد. گستردگی مفاهیم و باورهای مربوط به این جانور، باعث شده است تا در بسیاری از افسانه‌ها و حماسه‌ها از اژدها سخن گفته شود. بنابراین، نقش اژدها به عنوان نقشی فراگیر در هنر ایران دیده می‌شود. این نقش در آثار هنری با تغییر و تحولات ظاهری بسیاری مشاهده می‌شود. در دوره‌ای همچون ایلخانی که با فرهنگ و هنر چین ارتباط نزدیکی دارد، اژدهایی به ظاهر اژدهای چینی تصویر شده است. اما در دوره‌ای همچون صفویه، هنرمند خود را پای بند به تصویر مدل‌های اژدها نمی‌کند؛ بلکه آن را با حال و هوای ایرانی تصویر می‌کند و مفاهیم آن را با فرهنگ و هنر ایران تطبیق می‌دهد. اژدها در هنر ایران از نظر گاه‌های متفاوتی قابل بررسی است. در این مقاله کوشش می‌شود تا جدال اژدها با انسان و چند جانور دیگر، از نظر شکلی و مفهومی بررسی شود.

## اژدها

اژدها جانور افسانه‌ای بزرگی است که معمولاً به شکل سوسمار یا مار غول پیکر فلیس دار، با بال خفاش مانند، نفس آتشین و دم نوک تیز مجسم می‌شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۷۷).

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی نگاره‌های نبرد بهرام گور با اژدها در نگارگری ایران از قرن هشتم تا دوازدهم هجری است.

\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر (behdani59@yahoo.com)

\*\*\* استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان

شکم خود محبوس کرده است؛ به طوری که قحطی و خشک سالی جهان را فراگرفت. ایندرا<sup>۴</sup> خدای جنگ و پیروزی به مبارزه با ورتره می رود. او با سلاح خود، "واجره"<sup>۵</sup>، بر اژدها پیروز می شود و به زندگی خاکی، هستی و طراوت می بخشد (شایگان، ۱۳۴۶: ۶۵-۶۶).

اژدها در اسطوره های ایران باستان نیز موجودی اهریمن خو و بدکار است. نام اژدها در اوستا، جزء خرفستران<sup>۶</sup> ذکر شده و از پدیده های اهریمنی است. "اژی" در اوستا و "اهی" در سانسکریت به معنای مار است. "اژی" در اوستا چندین بار با واژه "دهاک" آمده است. ترکیب "اژی دهاک" هم به معنای اژدها و هم به معنای ضحاک آمده است (رستگار، ۱۳۷۹: ۶). در شاهنامه فردوسی از نبرد قهرمانان با اژدها بارها یاد شده و کشتن این جانور برای قهرمان کرداری ویژه به شمار می آمده است. فردوسی در بیشتر جاها، اژدها را با سر و دهانی بزرگ که آتش و دود از آن بیرون می آید، توصیف می کند. معروف ترین قهرمانان اژدهاکش در حماسه ها و افسانه های ایران عبارت اند از: گرشاسب، گشتاسب، رستم، اسفندیار و بهرام گور. در باورهای میان شیعیان حضرت علی (ع) نیز اژدهاکش معرفی می شوند (ر.ک خاوران نامه ابن حسام خوشفی).

### نمادشناسی اژدها

"اژدها در افسانه پردازی سراسر جهان به جز چین که در آنجا موجودی مسالمت جو است، نمودار نیروهای پلید و ناپاک است. آب را از بارور کردن باز می دارد و می خواهد خورشید و ماه را فرو برد." (رستگار، ۱۳۷۹: ۱۳). اژدها در چین، مقدس بوده و پرستش می شده است؛ زیرا او را بخشنده آب و باران می دانسته اند. او همیشه با رعد و برق، ابر و باران و تگرگ همراه است. به عقیده برخی، اژدها در چین از تمساح نشئت گرفته است و مانند تمساح با آب در ارتباط است. اژدها در زمستان به زیر زمین می رود که در این صورت نمادی از پرورش و رویش گیاهان طبیعت می شود. اژدهای آسمانی چین، نماد ابر سیاهی است که وقتی خشمگین می شود، زمینیان را از باران خود محروم می کند؛ اما وقتی خیرخواه می شود، آب هایی را که در شکم خود دارد فرومی ریزد و زندگی بخش می شود. "به همین دلیل است که اژدهای نقاشی های چینی جامه امپراتور را که خیرخواهی اژدها را از آن خود می سازد، زینت می بخشد و اغلب مرواریدی را در چنگش به نمایش می گذارد که به مفهوم اصل زندگی است." (بری، ۱۳۸۵: ۸۵).

در ایران باستان، مانند دیگر کشورهای کهن همچون بابل، چین، مصر و هندوستان روایات بدیعی درباره اژدها رواج داشته و دارد. به نظر کویاجی صاحب کتاب بنیادهای اسطوره و حماسه ایران، اژدها نشانه ددمنشی و دیو خویی است (کویاجی، ۱۳۸۰: ۲۲۴). در اساطیر ایران باستان، اژدها با افسانه ضحاک ماردوش پیوند خورده است. ضحاک در اوستا

اژدهای مخوفی وصف شده است که برای نابود کردن مردم و تمام موجودات زمین آمده است.

اژدها در ادبیات فارسی با اشکال و مظاهر متفاوتی نمایان شده است. "در روایات حماسی و داستان های عامیانه، مظهر بلا، خشک سالی و شر است. قهرمان با از میان بردن او نعمت و آسایش را به مردمان باز می گرداند." (پاکباز، ۱۳۸۵: ۹۶۸). در ادبیات عامیانه، اژدها را با خسوف و کسوف مربوط می دانند و معتقدند علت این پدیده ها، اژدهایی است که می خواهد ماه یا خورشید را بلعد. اژدها ماه را در طول شب ها می بلعد و خدای خورشید ماه را آزاد می کند و اژدها را می کشد. در روایات جدیدتر، جای ماه را دختر و جای خورشید را قهرمانی می گیرد که برای نجات دختر، اژدها را می کشد (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۸۵).

از دیدگاه عارفان، اژدها نفس اماره است و کسی می تواند به کمال دست یابد که بر نفس طغیانگر خود غلبه کند. برای مثال، مولوی اژدها را با مفهوم نفس سرکش به کار برده است: نفست اژدهاست او کی مرده است

از غم بی آلتی افسرده است  
(مولوی، مثنوی معنوی، ۱۰۵۳: ۳۲۸)

در نظر چینی ها، اژدها خدایی است که امیال و آرزوهای آنان را تجسم می بخشد. او یار و یاور مردمی است که او را می پرستند. چینی ها معتقدند اژدها ضامن سلامتی و سعادت و آرامش است؛ چون اژدها توانایی انجام هر کاری را دارد. او حکمران و فرمانروای باران است و اوست که تصمیم می گیرد کی و کجا باران بیارد. منصور رستگار فسایی در کتابش به نقل از کتاب نسل اژدها آورده است که در دودمان هسیا، دو اژدها با هم چنان جنگیدند که هر دو نابود شدند و از بقایای آن ها کف زاینده باروری بر سطح زمین برجا ماند. از این کف زاینده اخلاف خانواده هسیا به وجود آمدند و این چنین بود که اژدهایان را اجداد نسل قهرمانان دانستند (رستگار، ۱۳۷۹: ۲۲).

"در چین، اژدها، لونگ نامیده می شود و در کیهان شناسی چینی، مظهر یانگ، یعنی اصل آسمان، فعالیت و نرینگی در جفت بین-یانگ است. اژدها از زمان های باستان نشانه خاندان امپراتوری چین بود و تا تأسیس جمهوری (۱۹۱۱ م) تصویرش پرچم آن کشور را می آراست." (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۷۸). اژدها در هنر چین قدمتی طولانی دارد. نقش این جانور بر روی ظرف های مفرغی سلسله شانگ و جو دیده می شود. "از دوره هان دیوارنگاره هایی وجود دارد که ایزدانوی نو- گوا همراه با همسرش فوشی با بدن های انسان که از کمر به پایین به صورت دم دو مار یا اژدهای به هم پیچیده شده می باشند به تصویر کشیده شده اند." (دانشپورپرور، ۱۳۷۶: ۶۶۴). از دوره هان به بعد، اژدها نماد قدرت امپراتوری چین تلقی شده است و به عنوان نقشی نمادین بر لباس امپراتور، بناها و پارچه ها و ظروف این دوره نقش می بندد. رواج اژدها در هنر دوره سونگ و یوان و ارتباط با ایلخانان مغول، باعث فراگیر شدن این نقش در هنر ایران شده است.

## اژدها در هنر ایران

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که خاستگاه نقش اژدها در هنر ایرانی، در هنر چین است و به واسطه روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور، وارد فرهنگ و هنر ایران شده است. "پدیده آمدن ارتباط مستقیم بین ایران و چین از دوره هان تقریباً هم‌زمان با سلسله اشکانی آغاز شده است و یکی از علل تداوم این ارتباط، ورود کالاهای چین به ویژه پارچه‌های ابریشمین نقش دار بوده که بی تردید انتقال این اندیشه را به تدریج در ایران سبب گردیده است." (همان، ۶۶۴).

در دوره اشکانی، نقش اژدها بر روی درفش دیده می‌شود. در کتاب تاریخ ایران کمبریج آمده است که درفش اشکانیان به شکل اژدها بوده است و هنگام جنگ، دشمنان از هیبت اهتر از درفش مزین به اژدهای اشکانی دچار ترس و وحشت می‌شده‌اند (دانشپورپور، ۱۳۷۶: ۶۶۴). در شاهنامه فردوسی نیز به درفش‌هایی اشاره شده است که با نقش اژدها آذین شده‌اند. درفش رستم در شاهنامه به نقش اژدها آراسته شده که مظهر خاندان مهرباب شاه کابلی است.

در دوره ساسانی، اژدها با ظاهری متفاوت و درحالی که با حیوانی دیگر ترکیب شده است، دیده می‌شود. اژدهای پُران یا اژدهای بال‌دار بر روی ظروف سیمین و پارچه‌های دوره ساسانی به طور مکرر دیده می‌شود (رستگار، ۱۳۷۹: ۳۱۵). این نقش در بسیاری از منابع فارسی به سیمرغ ساسانی مشهور است و همچون شیر بال‌دار هخامنشیان، از آن به نماد قدرت و دانایی پادشاهان ساسانی یاد می‌شود. سیمرغ یکی از موجودات افسانه‌ای ایران است که در داستان‌های شاهنامه بسیار از آن یاد شده است. این جانور افسانه‌ای در شاهنامه دو چهره متفاوت: یزدانی و اهریمنی دارد. سیمرغ اهریمنی بیشتر یک مرغ اژدهاست.

در هنر ساسانی، سیمرغ به صورت ترکیبی از اژدها و طاووس دیده می‌شود (Conway, 2003: ۹۵). جان راسل هینلز نیز در کتاب اسطوره‌های ایرانی در شرح نقش سیمرغ بر مشربه‌ای نقره‌ای، آن را اژدها-طاووس اسطوره‌ای معرفی می‌کند که اغلب در هنر ساسانیان به چشم می‌خورد (هینلز، ۱۳۸۸: ۴۱). این جانور (سیمرغ) همچون اژدها دارای بدنی پولک‌دار با پوزه کشیده و دندان‌های نمایان و همانند طاووس دارای دم بزرگ و مزینی است.

در دوره اسلامی و با آمدن مغولان به ایران، ارتباط با هنر چین گسترش پیدا کرد. به دلیل آشنایی ایرانیان با هنر چین در عصر شکوفایی سلسله سونگ و سپس در عصر سلسله یوان، بسیاری از شیوه‌ها و سبک‌های هنری چین وارد هنر ایران شد و تأثیرات آن تا مدت‌ها در هنر ایران باقی ماند. در کارگاه‌های مصورسازی دوره ایلخانی نیز از هنرمندان چینی استفاده می‌شد و حضور قلمشان در کتاب شاهنامه دموت تأییدی بر این ادعاست<sup>۷</sup>. در این دوره، بسیاری از پارچه بافان از سبک‌های تزئینی چینی تقلید می‌کردند. "پارچه بافان در ایران به پیروی از موضوعات تزئینی چینی مانند اژدها و سیمرغ و حیوانات

افسانه‌ای دیگر و سپس گل نیلوفر، گل سرخ و نقش ابرهای چینی یا نقشی که ویژگی بافته‌های چینی از عصر روزگار هان بود، پرداختند." (حسن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). اژدهای به کاررفته در این دوره، اغلب دارای دو بال عقاب با پنجه‌های شیر و دم مار عظیم‌الجثه است و به شکل قطعه‌ای در حال پرواز تصویر شده است. بدن او از فلس پوشیده شده و دو شاخ در بالای سر دارد (همان، ۶۳).

ارتباط فرهنگی و هنری بین ایران و چین بعد از دوره ایلخانی نیز ادامه پیدا کرد. در دوره تیموری اعزام سفیر و نماینده میان دو کشور قوت گرفت و بسیاری از کالاهای چینی توسط این نمایندگان به ایران وارد شد. "در دوره شاهرخ، روابط با چین به قدری نزدیک و پابرجا بوده که در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است." (بینیون، ۱۳۶۷: ۱۵۷). آثار هنری مکتب هرات، گواهی بر تأثیر هنر چینی، به ویژه در زمینه جلدسازی کتاب‌هاست. مهم‌ترین عناصر تزئینی این مکتب هنری را جانوران افسانه‌ای چینی تشکیل می‌دهد (حسن، ۱۳۸۸: ۹۴). با روی کار آمدن صفویان، هنرمندان ایرانی شیوه‌هایی را که از هنر چین فراگرفته بودند، تغییر دادند و آن را با ذوق و سلیقه خود هماهنگ کردند. با این همه، تأثیر هنر چین بر هنر ایران همچنان باقی ماند. "نفوذ دست ساخته‌های چینی در تمام مراحل هنر ایران در آغاز سده دهم هجری احیا شد و این ظروف چینی بود که بیشتر از هر چیزی سبک خاور دور را به همراه آورد." (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۷۶). سفالینه‌های آبی منقوش زیر لعاب، جذاب‌ترین آثار تولیدی سازندگان سفالینه در دوره صفوی بود. این سفالینه‌ها با ویژگی بدل چینی و تقلید آبی و سفید دوره مینگ چین ساخته می‌شد. اگرچه این هنر از چین اقتباس شده بود، با هنر ایرانی درآمیخت و به کمال و سازگاری رسید. نقش مایه‌های آبی و سفید روی این سفالینه‌ها همچون اژدها و نقش‌های گیاهی، ذوق مردم را به سمت تزئینات چینی وار سوق داد. "آنان علاوه بر این به تقلید از چینیان، به ساخت ظروفی از سفال سفید نیز روی آوردند و بشقاب‌های بزرگ به رنگ‌های سفید و کبود ساختند که در نخستین نگاه، چه از نظر رنگ‌هایی که به کار برده بودند و چه از نظر شکل و آرایه‌ها، به نظر می‌رسید که در خود چین ساخته شده است." (حسن، ۱۳۸۴: ۴۹).

به طور کلی، هنرمندان عصر اسلامی به هنر چین به عنوان نمونه‌ای آرمانی می‌نگریستند و می‌کوشیدند تا از آن‌ها تقلید کنند. بنابراین، بسیاری از اشکال گل و گیاه و تصاویر جانوران افسانه‌ای چین همچون اژدها در هنر ایران، به ویژه نگارگری ظاهر شده است. نقش اژدها در هنر ایران در گونه‌ها و موضوعات مختلف نمایان است. ما در این مقاله چندین موضوع مربوط به نقش اژدها را بررسی کرده‌ایم.

## جدال اژدها و قهرمان

یکی از موضوعاتی که نقش آن در آثار هنری بسیار فراگیر است، جدال اژدها با قهرمان است. در شاهنامه اژدها با



تصویر (۴): جدال اژدها و شیر، رقم رضا عباسی، سده یازدهم ه. ق.



تصویر (۳): جدال اژدها و شیر، رقم محمدباقر، سده یازدهم ه. ق.



تصویر (۱): نبرد بهرام گور با اژدها، خمسه نظامی، اثر بهزاد، هرات، سده نهم ه. ق.

### جدال اژدها و شیر

در بسیاری از نقش‌های گرفت و گیر، اژدها در حال نبرد با حیوانی دیگر است. گرفت و گیر به صحنه‌هایی از نزاع و نبرد بین دو یا چند حیوان واقعی یا خیالی گفته می‌شود. در این صحنه‌ها حیوانات با حرکت‌ها و چرخش‌های زیبا، نقشی مهیج خلق می‌کنند. نمونه این صحنه‌ها در چندین نقش برجسته دوره هخامنشی دیده می‌شود. در بسیاری از این نقش‌ها شیر و گاو در حال نبرد هستند. یکی از گرفت و گیرهای مشهور که کاملاً نمادین و برگرفته از فضای اساطیری است، جدال اژدها با شیر است. شیر نیز همانند اژدها، موجودی افسانه‌ای با قدرتی فوق‌العاده است که در فرهنگ ایران زمین سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. این جانور با ویژگی‌هایی خاص در فرهنگ و باورهای مردم تجلی می‌یابد. در باورهای قومی و اساطیری ایران، اژدها نمودار خشک‌سالی و موجودی است که بر کنار چشمه می‌نشیند و جلوی آب را می‌گیرد. اما شیر نماد ابهت و دل‌آوری است و در باورهای قومی، نماد باروری زمین به شمار می‌آید. "این جانور تقریباً در تمام تمدن‌های خاور نزدیک سمبل قدرت و سلطنت به کار رفته و با قدرت خورشید برابری کرده است." (دادور، ۱۳۸۵: ۷۴). بنابراین، نبرد این دو جانور حاوی نشانه‌های اساطیری است. در فرهنگ اسلامی نیز اژدها نماد نیروهای شر و اهریمنی است و شیر در برابر این نیروها مقابله می‌کند. در نگاره‌ای به رقم محمدباقر، شیر قدرتمندی دیده می‌شود که با اندام درشت، اژدها را محصور کرده است. اژدها دور بدن شیر حلقه زده و با دهان باز، به آن هجوم آورده است (تصویر ۳). در تک‌نگاره‌ای به رقم رضا عباسی نیز نبرد اژدها و شیر در پی شکار آهو تصویر شده است (تصویر ۴).

در این تک‌نگاره اژدها در حالی که به دور بدن آهو پیچیده است، بازوی شیر را به دهن گرفته و در حال مبارزه با او است. جدال اژدها با شیر بیش از همه در دوره قاجار به عنوان تزئین بناها مورد استفاده قرار گرفته است. در بیشتر جاها اژدها دور بدن شیر حلقه زده و بدن او را محصور کرده است. در بسیاری از بناهای این دوره همچون کاخ‌ها، حمام‌ها و امام‌زاده‌ها، این نقش بر دیوارها دیده می‌شود. در نقش برجسته‌ای متعلق

قهرمانانی همچون رستم، اسفندیار، گشتاسب، بهرام گور و... در حال نبرد است. بنابراین، در همه شاهنامه‌های مصوراز دوره‌های مختلف، چندین نگاره به این موضوع اختصاص دارد. نبرد قهرمان با اژدها در شاهنامه، کرداری ویژه است و محتوای دینی و آیینی دارد. در اساطیر دیرین همه ملت‌ها، جنگ با اژدها و پیروزی بر آن، دست‌کم یک بار در زندگی هر یک از پهلوانان و قهرمانان دیده می‌شود. "مسئله پهلوان و کشتن اژدها یک انگاره (Motif) کهن اساطیری است که نه تنها در افسانه‌های هند و اروپایی و سامی، بلکه در میتولوژی اقوام ابتدایی تقریباً سراسر جهان با هزار سیمای مختلف جلوه‌گری می‌کند.

هر گاه بخواهیم اصطلاحات یونگی به کار ببریم، کشتن اژدها یک Archetype یا نمودگار باستانی است که منشأ آن روان ناخودآگاه دسته‌جمعی مردم است." (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۴۴). نبرد میان قهرمان و اژدها، تعبیر دیگری است از کشمکش انسان بدوی برای رسیدن به خودآگاهی. در اینجا، قدرت‌های شرور آسمانی، به صورت اژدها و دیگر اهریمنان نمود پیدا می‌کنند (یونگ، ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۶). "شاید بتوان اژدها را نیروی سرکش طبیعی و غریزه و نفس اماره انگاشت که پهلوان می‌خواهد بر آن پیروز شود." (دارا، ۱۳۸۶: ۴).

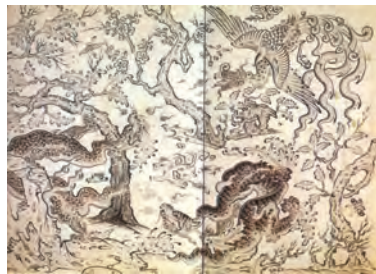
در نگاره‌ای از کمال‌الدین بهزاد مربوط به خمسه نظامی، بهرام گور در حال نبرد با اژدهاست. بهرام سوار بر اسب در حالی که کمان را کشیده است، به جانب اژدها پیش می‌تازد. اژدهای گول‌پیکر از روی تنه درخت به سمت بهرام می‌جهد (تصویر ۱). در نگاره‌ای متعلق به مکتب اصفهان نیز اژدها را در حال نبرد با قهرمان صحنه، گشتاسب، می‌بینیم. اژدها دارای طولی بلند، چهار بال شعله‌مانند، بدن پر از مو و پوست بدون فلس است. حرکت این اژدها سیال و همچون آبشاری از بالای کوه به سمت پایین در جریان است (تصویر ۲).



تصویر (۲): نبرد گشتاسب با اژدها، شاهنامه فردوسی، مکتب اصفهان، سده دهم ه. ق.



تصویر (۸): جدال اژدها و سیمرغ، پارچه ساتن، سده دهم ه.ق.



تصویر (۷): گرفت و گیر سیمرغ و اژدها، مکتب ترکمن، سده نهم ه.ق.



تصویر (۶): جدال اژدها و شیر، خانه بروجردی ها کاشان، دوره قاجار، سده سیزدهم ه.ق.



تصویر (۵): جدال اژدها و شیر، نقش برجسته، ایوان تخت مرمر کاخ گلستان، دوره قاجار، سده سیزدهم ه.ق.

بوته زارها پنجه انداخته اند؛ سنگ ها چون دسته ای سنگ های هار حمله ور شده اند." (کورکیان، ۱۳۷۷: ۱۸۰).  
بر پارچه ساتن مربوط به سده دهم هجری، اژدها و سیمرغ در میان نقوش اسلیمی و ختایی تصویر شده اند. در این پارچه، اژدهای قدرتمندی به همراه سیمرغی با پیچیدگی و چرخشی زیبا، طرح جالب و هیجان انگیزی ایجاد کرده است (تصویر ۸). این تصویر به نقش کاشی های کاروان سرای گنجعلی خان کرمان نیز شباهت دارد. طراحی فرم بدن و نقوش روی پوست اژدها بسیار به اژدهای پارچه ساتن شبیه است (تصویر ۹). نقش اژدها و سیمرغ در دوره تیموری و صفوی بسیار مورد توجه هنرمندان است. این نقش در بسیاری از آثار این دوره و حتی در جزئیات و نقش های موجود در نقاشی نیز فراوان استفاده شده است. بر پارچه خیمه گاه لیلی در نگاره ای منسوب به مظفرعلی این نقش به خوبی مشاهده می شود (تصویر ۱۰).



تصویر (۹): جدال اژدها و سیمرغ، کاشی معرق، کاروان سرای گنجعلی خان کرمان



تصویر (۱۰): بخشی از نگاره قیس به خیمه گاه لیلی می رود، هفت اورنگ جامی، منسوب به مظفرعلی، سده دهم ه.ق.

به ایوان تخت مرمر کاخ گلستان، نبرد اژدها با شیر نقش بسته است (تصویر ۵). در این نقش برجسته شیر و اژدها کاملاً در هم پیچیده اند و نمی توان نشان برتری را در هیچ کدام تمیز داد. همانند این نقش برجسته در خانه بروجردی ها در کاشان نیز دیده می شود (تصویر ۶). ترکیب بندی و جزئیات بدن دو حیوان به نقش برجسته کاخ گلستان شباهت نزدیکی دارد. در این نقش برجسته ها، هیچ حیوانی بر دیگری غلبه نمی کند و نشان برتری در هیچ یک مشاهده نمی شود؛ بنابراین همانند دو اصل یانگ و بین چین، دو جانور بر اساس نماد و نشانه های مشخص، مکمل یکدیگرند.

### جدال اژدها و سیمرغ

جدال اژدها و سیمرغ از دیگر صحنه های گرفت و گیر است که به صورت نقشی فراگیر بر پارچه ها، قالی ها و نگاره ها دیده می شود. "در فرهنگ و ادبیات ایرانی، سیمرغ به عنوان حامی و نگهبان، درمانگر و نماد خرد اشاره شده ولی اژدها به عنوان دشمن و تجاوزگر معرفی شده است." (خزایی، ۱۳۸۹: ۴۲). سیمرغ در اساطیر ایران، سلطان پرندگان است. این جانور افسانه ای هر گاه از روی درخت بلند می شود و به پرواز درمی آید، برگ ها و شاخه های آن درخت به هرسو افکنده می شود.

در فرهنگ چین، اژدها نماد فغفور (لقب پادشاهان چین) و مظهر یانگ، یعنی اصل مذکر و آسمان است. سیمرغ هم نماد ملکه و مظهر "یین"، یعنی اصل مؤنث و زمین است. این دو نیرو ضمن اینکه متضاد هستند، در عین حال مکمل یکدیگرند (دانشپورپرور، ۱۳۷۶: ۶۹۱). در فرهنگ چین حضور اژدها و سیمرغ در کنار یکدیگر، کنایه از ازدواج و پیوند کامل نیز است (خزایی، ۱۳۸۹: ۴۲). در نگاره ای مربوط به سده نهم هجری، اژدها به همراه سیمرغ دیده می شود (تصویر ۷). اژدها و سیمرغ در کنار درختان و سنگ های عجیب، منظره حیرت انگیزی خلق کرده اند. "شیوه نگارگری، بی چون و چرا چینی است. همه چیز در صحنه در تحرک، کشاکش و شتاب است. درختان با پیچ و تاب خود، در پیکار شرکت جسته اند؛

به نظر می‌رسد جدال اژدها و سیمرخ با طراحی مشابه به عنوان نقشی ثابت در بسیاری آثار سده نهم و دهم هجری استفاده شده است.

### جدال اژدها و اسب سوار

از گونه‌های دیگر گرفت و گیر، جدال اژدها با اسب-سوار است. خاستگاه این نقش، جنگ رستم و رخش با اژدهاست. در این جدال، اسب که سمبل نجات است، انسان را یاری می‌کند. "مردی که اژدها به او حمله کرده" نام تک‌نگاره‌ای است که به سیاوش بیک منسوب است (تصویر ۱۱). در این تک‌نگاره، صحنه با قلم‌گیری‌های نازک و ضخیم و به شیوه آب‌مرکب طراحی شده است. اژدها بر انسان غالب شده و بازوی او را به دهن گرفته است. تصویر این تک‌نگاره عاری از جنبش و هیجان صحنه نبرد است و بیشتر جنبه نمایشی و تزئینی به خود گرفته است. جدال اژدها با اسب سوار در دوره صفوی و قاجار بسیار رواج یافت و بیشتر به صورت یک نقش تزئینی و بی‌توجه به مفهوم نمادین آن، به کار رفت. محمد زمان، هنرمند اواخر دوره صفویه، جدال اژدها با اسب سوار را به تصویر کشیده است (تصویر ۱۲). در این نقاشی اژدها به دور بدن اسب حلقه زده و اسب در حال دفاع از خود و سوارش است. اژدها با یک حرکت اسپیرالی از پشت اسب بیرون آمده و به انسان حمله کرده است. اژدها در این تصویر بیشتر به نمونه‌های اروپایی شباهت دارد. این موضوع در نقش گلیمی از سده یازدهم هجری نیز دیده می‌شود (تصویر ۱۳). در این تصویر، قهرمانی که قصد کشتن اژدهای خال‌دار را کرده، احتمالاً بهرام گور است. در تابلویی از محمد صادق، شاهزاده اسب سوار با اژدهایی در حال نبرد است. شکل چرخش اژدها به دور بدن اسب همانند نمونه‌های پیشین است (تصویر ۱۴). در این تصویر نیز همچون دو نمونه پیشین خنجری در دست قهرمان دیده می‌شود. تأثیر شیوه اروپایی در طراحی و رنگ‌آمیزی اژدها مشهود است. سر اژدها در این تابلو به گونه‌های اروپایی شباهت نزدیکی دارد.

### نتیجه‌گیری

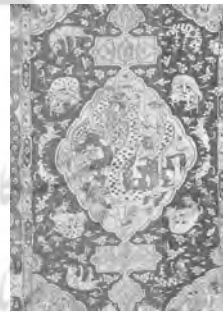
نقش اژدها در هنر ایران برگرفته از اژدهای چین است. در هنر چینی، اژدها با توجه به نماد و مفهوم آن استفاده می‌شود. این نقش در آثار ایران گاهی فقط جنبه تزئینی داشته و گاهی با توجه به نماد و مفهوم آن به کار رفته است. از موضوعات مربوط به اژدها که سرشار از نماد و مفهوم است، می‌توان به نبرد و جدال این جانور با انسان و حیوانات دیگر اشاره کرد. جدال اژدها و قهرمان یکی از فراگیرترین نقش‌ها در هنر ایرانی است و حوزه وسیعی از ادبیات و هنر حماسی ایران را به خود اختصاص داده است. فردوسی از پای در آوردن اژدها را کرداری ویژه برای قهرمانان می‌داند. این



تصویر (۱۱): حمله اژدها به اسب سوار، طرح مرکبی، منسوب به سیاوش بیک، قزوین، سده دهم ه.ق.



تصویر (۱۲): حمله اژدها به اسب سوار، رقم محمد زمان، مکتب اصفهان، سده یازدهم ه.ق.



تصویر (۱۳): گلیم با ترنج و صحنه‌های اساطیری ایران، سده یازدهم ه.ق.



تصویر (۱۴): شاهزاده قاجار در گرفت و گیر با اژدها، اثر محمد صادق، سده سیزدهم ه.ق.

جانور مظهر نیروی سرکش نفس اماره است که قهرمان بر او پیروز می‌شود؛ بنابراین یکی از مراحل کمال برای قهرمان است. تصاویر جدال اژدها با شیر و سیمرغ نیز با توجه به مفاهیم اسطوره‌ای دو حیوان نقش شده است. با دقت در تصاویر درمی‌یابیم در این نبردها هیچ‌گونه ای بر گونه‌ی دیگر غلبه ندارد، بلکه پیچش‌ها و چرخش‌های زیبا به دور هم، نشان از اتحاد دو حیوان دارد و یادآور دو اصل یانگ و یین چین است. جدال اژدها با شیر و سیمرغ در دوره‌ی قاجار، به عنوان موضوعی مستقل و بدون توجه به مفاهیم و نماد آن‌ها، بیشتر جهت تزئین در بسیاری از بناها به کار رفته است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مردوک یا مردوخ در روایات کهن بابلی، فرزند "آ" (Ea) خدای آب تازه است. مردوخ را برخی با مریخ، خدای جنگ و برخی با مشتری مطابقت داده‌اند (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۹).
- ۲- Tiamat
- ۳- Vrtra
- ۴- Indra
- ۵- سلاح مختص ایندرا که رع یا صاعقه است (دادور، ۱۳۲۸۵: ۲۳۶).
- ۶- Xrafstaran
- ۷- در ربع رشیدی از هنرمندان چینی و بیزانس برای مصورسازی کتاب‌ها استفاده می‌شده است.

### منابع

- ۱- انوری، حسن. (۱۳۸۵). فرهنگ فشرده سخن. تهران: سخن.
- ۲- بری، مایکل. (۱۳۸۵). تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی. ترجمه جلال علوی نیا. تهران: نشر نی.
- ۳- بینیون، لورنس، ویلکینسون، ج. و. س، گری. بازیل. (۱۳۶۷). سیر تاریخ نقاشی ایرانی. ترجمه محمد ایرانمنش. تهران: امیرکبیر.
- ۴- پاکباز، روئین. (۱۳۸۵). دایره‌المعارف. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ۵- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران. ج ۴. زیر نظر سیروس پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۶- حسن، زکی محمد. (۱۳۸۴). چین و هنرهای اسلامی. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: فرهنگستان هنر.
- ۷- حسن، زکی محمد. (۱۳۸۸). هنر ایران در روزگار اسلامی. ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: صدای معاصر.
- ۸- خزایی، محمد. (۱۳۸۹). "اصول و سنت‌های پایدار در هنر طراحی ایران". کتاب ماه هنر. ش ۱۴۴. تهران.
- ۹- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری. (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. تهران: دانشگاه الزهرا.
- ۱۰- دارا، مریم. (۱۳۸۶). "نگاهی بر اژدها و چند اژدهاکش ایرانی". کتاب ماه ادبیات. ش ۲. تهران.
- ۱۱- دانشپور پرور، فخری. (۱۳۷۶). نقش اژدها در هنر معماری ایران. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۵. به کوشش باقر آیت‌اله زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۱۲- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). اژدها در اساطیر ایران. تهران: توس.
- ۱۳- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). سایه‌های شکارشده. تهران: قطره.
- ۱۴- شایگان، داریوش. (۱۳۴۶). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- قزوینی، زکریا محمدبن محمود. عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات. به اهتمام نصراله سیبوحی. تهران.
- ۱۶- کورکیان، ا. م. و ژ. پ. سیکر. (۱۳۷۷). باغ‌های خیال. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
- ۱۷- کویاجی، جهانگیر. (۱۳۸۰). بنیادهای اسطوره و حماسه‌ی ایران، تهران، نشر آگه.
- ۱۸- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). مروج الذهب. ج ۱. ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۹- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۶). دانشنامه ایران. ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۷). مثنوی معنوی، مقدمه عبدالحسین زرین کوب، تهران: انتشارات مجید.

۲۱- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۸). اسطوره‌های ایرانی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

۲۲- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: سروش.

۲۳- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۸). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.

24-Conway D. J(2003)Magickal mystical creatures.liewellyn publication,usa.

